

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين

خلاصه مباحث گذشته

در موردی که شخص قصد و عزم بر اقامه داشته باشد و سپس از آن عود نماید گفتیم اگر او یک نماز چهار رکعتی تمام خوانده باشد و سپس از قصد خود برگردد، مادامی که در آن شهر است باید نماز را تمام بخواند ولو یک یا دو روز و یا حتی یک یا دو ساعت باشد.

بررسی کلام مرحوم خوئی (ره) در قاعده اولیه

مرحوم محقق خوئی (ره) قاعده اولیه‌ای را پایه‌گذاری نموده و فرمود: قاعده اولیه در موضوعات احکام این است که عناوین اخذ شده حدوثاً و بقائاً شرط باشند.

هر چند روایت ابی ولاد از تحت این قاعده کلیه خارج می‌شود اما سایر موارد ذیل آن باقی مانده و در موارد شک باید مورد مذکور اکتفا شود. در مقابل از عبارات مرحوم آقای حکیم (ره) استفاده می‌شود که این عنوان فقط حدوثاً نقش دارد.

توضیح مطلب این‌که در روایات عناوین «اذا نويت» یا «اذا ايقنت» وارد شده‌است، یعنی برای تمام خواندن نماز حدوث و بقاء نیت لازم است؛ در نتیجه طبق قاعده اولیه ولو شخص چند نماز چهار رکعتی نیز خوانده باشد به محض عدول از قصد، چون قصد بقائاً موجود نیست نباید نماز را تمام بخواند.

چنین به نظر می‌رسد قاعده مورد ادعای مرحوم خوئی (ره) عمومیت ندارد و با تتبع در فقه شاید بتوان به این نتیجه رسید صرف نظر از عناوینی که ظهور در شرطیت حدوثی دارند، در سایر عناوین تنها حدوث و در برخی موارد، هم حدوث و هم بقاء شرط است.

به بیان دیگر این احتمال وجود دارد که بگوئیم تعبیر «نویت المقام عشرة ايام» یا «أيقنت» ظهور در کفایت حدوث این عنوان داشته باشد. لذا قیاس مانحن فیه به مسئله عالم و سایر عناوین نیز ظاهراً صحیح نیست. پس در مسئله نیت و تحقق اقامه شرعی می‌توان گفت به مجرد نیت و بدون نیاز به خواندن نماز این عنوان که حقیقت شرعی دارد محقق می‌شود و مادامی که در آن شهر است هر چند عدول کرده باشد، به حسب قاعده باید نماز را تمام بخواند.

از این جهت که این قاعده، قاعده‌ای عقلانی است، در تمام موارد یکسان نیست. مثلاً در مورد فسق حدوث آن کافی است اما بقاء آن شرط نمی‌باشد. بلکه اگر شخص توبه نمود و پشیمان شد این عنوان زائل می‌شود. اما صرف انجام فعل محرم محقق

عنوان فسق بوده و همین مقدار کافی است.

خلاصه این‌که در قاعده اولیه دو احتمال و دو برداشت وجود دارد: الف- روایات نیت عشرة ايام صرفاً ظهور در حدوث دارد که به نظر ما این احتمال اقوی است. ب- روایات نیت عشرة ايام ظهور در حدوث و بقاء دارد که نظر مرحوم محقق خوئی (ره) چنین است.

بررسی ادله مسئله

در مجموع دو دلیل برای این مسئله ذکر شده است:

دلیل اول: اجماع: جماعتی از فقها در این مسئله ادعای اجماع دارند.

دلیل دوم: روایت ابی ولاد: متن روایت از این قرار است:

«مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ سَعْدٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي وَلَادٍ الْحَنَاطِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) إِنِّي كُنْتُ نَوَيْتُ حِينَ دَخَلْتُ الْمَدِينَةَ أَنْ أَقِيمَ بِهَا عَشْرَةَ أَيَّامٍ وَأَتِمَّ (الصَّلَاةَ) ثُمَّ بَدَأَ لِي بَعْدَ أَنْ أَقِيمَ بِهَا) - فَمَا تَرَى لِي أَتِمُّ أَمْ أَقْصِرُ- فَقَالَ إِنْ كُنْتَ دَخَلْتَ الْمَدِينَةَ وَصَلَّيْتَ بِهَا فَرِيضَةً وَاحِدَةً بِتَمَامٍ- فَلَيْسَ لَكَ أَنْ تُقْصِرَ حَتَّى تَخْرُجَ مِنْهَا- وَإِنْ كُنْتَ حِينَ دَخَلْتَهَا عَلَى نَيْتِكَ التَّمَامِ- فَلَمْ تُصَلِّ فِيهَا صَلَاةً فَرِيضَةً وَاحِدَةً بِتَمَامٍ- حَتَّى بَدَأَ لَكَ أَنْ لَا تُقِيمَ- فَأَنْتَ فِي تِلْكَ الْحَالِ بِالْخِيَارِ- إِنْ شِئْتَ فَأَنْتَ الْمَقَامَ عَشْرًا وَأَتِمَّ- وَإِنْ لَمْ تَنْوِ الْمَقَامَ فَقْصِرْ مَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ شَهْرٍ- فَإِذَا مَضَى لَكَ شَهْرٌ فَأَتِمَّ الصَّلَاةَ.»^[1]

راوی می‌گوید به امام (علیه‌السلام) عرض می‌کند زمانی که وارد مدینه شدم نیت اقامت ده روز داشتم و نمازم را هم به صورت تام خواندم. اما در ادامه برای من بدا حاصل شد و از قصد خود عدول کردم. نماز را باید قصر بخوانم یا تمام؟! حضرت (علیه‌السلام) در پاسخ می‌فرماید: اگر فريضة تمام خواندی تا زمانی که از شهر خارج نشدی باید نماز را تمام بخوانی.

اما اگر فريضة تمام نخواندی یا می‌توانی نیت اقامت نموده و نماز را تمام بخوانی یا نیت اقامه نداشته باشی و نماز را تا یک ماه قصر بخوانی. اما بعد از گذشت یک ماه باید نماز را تمام بخوانی.

در روایت حضرت (علیه‌السلام) میان زمانی که شخص بعد از نیت نماز چهار رکعتی خوانده با زمانی که نماز چهار رکعتی نخوانده است تفاوت قائل شده و می‌فرماید: اگر نماز خواند تا زمانی که در شهر است نماز را تمام بخواند. اما قبل از خواندن فريضة باید نماز را تا یک ماه اگر مردد بود قصر بخواند و بعد از آن تمام بخواند.

مراد از تمام در اینجا معنای لغوی آن نیست تا شامل نماز صبح نیز باشد. بلکه به جهت قرینه مقابله مراد، نماز تمام در مقابل نماز قصر است که تنها شامل نمازهای چهار رکعتی می‌شود.

روایت معارض با روایت ابی ولاد

در مقابل این روایت، روایت حمزة بن عبدالله جعفری است:

«وَعَنْهُ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ الْبَرْقِيِّ عَنْ حَمْزَةَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْجَعْفَرِيِّ قَالَ: لَمَّا أَنْ نَفَرْتُ مِنْ مَنَى نَوَيْتُ الْمَقَامَ بِمَكَّةَ-

فَأَتَمَمْتُ الصَّلَاةَ حَتَّى جَاءَنِي خَبْرٌ مِنَ الْمَنْزِلِ - فَلَمْ أَجِدْ بُدًّا مِنَ الْمَصِيرِ إِلَى الْمَنْزِلِ - وَلَمْ أَدْرِ أَمْ أَقْصِرُ - وَأَبُو الْحَسَنِ عَ يَوْمَئِذٍ بِمَكَّةَ - فَأَتَيْتُهُ فَقَصَصْتُ عَلَيْهِ الْقِصَّةَ - فَقَالَ لِي أَرْجِعْ إِلَى التَّقْصِيرِ»^[2]

راوی می‌گوید: زمانی که از منی به مکه آمدم نیت اقامه نموده و نماز را تمام خواندم. اما در ادامه خبری به من رسید و مجبور شدم به منزل خود بازگردم. باید نماز را تمام بخوانم یا قصر؟!

امام کاظم (علیه السلام) در آن زمان مکه مشرف بودند و راوی این مسئله را خدمت ایشان عرض می‌کند. حضرت (علیه السلام) می‌فرمایند: ولو نماز چهار رکعتی خوانده‌ای اما نماز را قصر بخوان.

روایت مذکور قابل استدلال نیست چون اولاً عبدالله بن حمزه جعفری مجهول بوده و مرحوم حکیم (ره) می‌فرماید: اصحاب از او اعراض نموده‌اند. ثانیاً مرحوم خوئی (ره) می‌فرماید: هیچ‌کدام از فقها به این روایت عمل ننموده‌اند و به عبارت دیگر روایت مذکور مخالف اجماع است.

در بحث اعراض، مسئله اعراض مشهور از روایت مطرح است که مرحوم آقای خوئی (ره) این اعراض را قاذح نمی‌دانند. در مقابل ما به تبع مشهور قائلیم که اعراض مشهور قاذح است. در روایت محل بحث مسئله اعراض مشهور مطرح نیست بلکه این روایت مخالف اجماع است.

بررسی قسمت دوم مسئله و فروع آن

قسمت دوم مسئله نهم در مورد جایی بود که شخص تنها نیت اقامه داشته‌است که خود چند فرض دارد:

فرض اول: بعد از نیت، هیچ نمازی نخوانده‌است. اگر صحیحی ابی ولاد نیز در میان نبود به سبب اجماع می‌توانستیم بگوئیم نماز این شخص قصر است.

فرض دوم: بعد از نیت، نماز صبح یا مغرب را خوانده‌است. مرحوم صاحب حدائق (ره) می‌فرماید: شاید بتوان گفت همین نماز نیز سبب تحقق اقامه در مورد این شخص است؛ یعنی بگوئیم مراد از نماز تمام خواندن، خواندن یک فریضه صحیح است و تمام را به صحیح معنا نماییم.

ایشان در ادامه می‌فرماید: این حمل بسیار بعید است و هیچ‌کدام از فقهاء تمام را به صحیح معنی ننموده‌اند و بلکه به قرینه مقابله متوجه می‌شویم مراد تمام در مقابل قصر است.

فرض سوم: بعد از نیت، نماز چهار رکعتی را شروع می‌کند اما در اثناء آن و در رکعت سوم از نیت عدول می‌کند. مرحوم سید (ره) می‌فرماید: از آنجا که فریضه تمام محقق نشده‌است فایده ندارد و اقامه محقق نشده است. اما اولی احتیاط است.

مرحوم شیخ طوسی (ره) می‌فرماید: صرف این که نماز چهار رکعتی را شروع نموده‌است کافی می‌باشد چون نماز را به قصد تمام شروع کرده‌است.

مرحوم حکیم (ره) می‌فرماید: دلیل مرحوم شیخ طوسی (ره) یا این است که نص شامل شروع در رابعیه نیست. یا بگوئیم نص شامل شروع در رابعیه است اما مرجع این باشد که بر مقیم تمام واجب بوده و از ابتدای نماز نیز عنوان مقیم را داشته‌است. بعد

از عدول از نیت، تمام را استصحاب نموده و می‌گوئیم همین کافی است.

اشکال این است طبق قاعده می‌گوئیم بر این شخص قصر واجب است و اقامه قطع کننده حکم مسافراست و در صورت شک باید به عموماً قصر مراجعه نمائیم نه به ادله «يجب على المقيم التمام».

در مورد مسئله محل بحث با وقوع نیت عدول نمی‌دانیم عنوان مقیم همچنان صادق است یا خیر، نباید استصحاب تمام کرد و این مسبب از این است که مرجع ما عموم وجوب القصر بر این شخص است نه مسئله وجوب التمام.

فرض چهارم و پنجم: بعد از نیت کاری غیر از فریضه رباعی انجام می‌دهد که انجام این عمل بر مسافر جایز نیست؛ مثلاً نوافل نماز چهار رکعتی را می‌خواند یا روز می‌گیرد.

مرحوم سید (ره) می‌فرماید: در این موارد نیز اقامه محقق نمی‌شود و شخص باید نماز را قصر بخواند. بلکه اگر روزه گرفته بود و بعد از زوال نیت عدول داشت اولی احتیاط است.^[3] مرحوم نائینی (ره) در تمام این فروض احتیاط وجوبی در جمع میان قصر و اتمام دارند.^[4]

تفاوت فتوی به احتیاط و احتیاط در فتوی

فارق میان فتوی به احتیاط و احتیاط در فتوی این است که در فتوی به احتیاط امکان رجوع وجود ندارد چون مجتهد به احتیاط فتوی داده‌است. اما در احتیاط در فتوی چون مجتهد به فتوی نرسیده‌است و احتیاط می‌کند، می‌توان رجوع نمود.

در فتوی به احتیاط به موارد علم اجمالی مثال می‌زنند. یک نوع علم اجمالی مانند مانحن فیه است که از مرحوم نائینی (ره) می‌پرسیم چرا شما می‌فرمائید: «لا یتَرَک الاحتیاط»؟ ایشان می‌فرماید: چون علم اجمالی به خواندن قصر یا تمام داریم و معلوم نیست اقامه این شخص محقق است یا خیر احتیاط می‌کنیم لذا در این مورد می‌توان به فتوی مرحوم سید (ره) که می‌فرماید یتعین علیه القصر رجوع نمود. پس چنین توهّم نشود که در کلیه موارد علم اجمالی و احتیاط قابلیت رجوع وجود ندارد.

در یک نوع دیگر علم اجمالی فتوی به احتیاط وجود دارد و قابل رجوع نیست چون این علم اجمالی قابل انحلال نمی‌باشد و از آن تعبیر به فتوی به احتیاط می‌شود؛ مثل علم اجمالی در شبهات موضوعیه.

بله نزد برخی از علماء یک علم اجمالی قابل انحلال و نزد برخی قابل انحلال نیست. اما دلیلی وجود ندارد که اگر برای فقیهی علم اجمالی قابل انحلال نبود و فتوی به احتیاط داد، نتوانیم به فقیهی که علم اجمالی نزد او قابل انحلال است و فتوی دارد مراجعه ننمود.

البته مرحوم سید احمد خوانساری (ره) در بحث اجتهاد و تقلید می‌فرماید: فتوی به احتیاط از جانب اعلم در مواردی که مجال بررسی ادله نبوده‌است قابل رجوع است. اما اگر اعلم مدارک فالاعلم را تخطئه نماید قابل رجوع نیست.

در مقابل مشهور می‌گویند اگر حتی اعلم مبنای فالاعلم را نیز تخطئه نماید باز هم امکان رجوع در موارد احتیاط وجود دارد.

به نظر در باب علم اجمالی باید تفصیل دارد به این بیان که اگر تمام فقهاء در مورد یک علم اجمالی قائل به عدم انحلال شدند باید بگوئیم فتوی به احتیاط موضوع برای رجوع ندارد. اما اگر در یک علم اجمالی فقیهی فرمود قابل انحلال نیست و فقیهی دیگر

فرمود قابل انحلال است، احتياط قابل رجوع است و می‌توان به قول فقیهی که می‌فرماید علم اجمالی قابل انحلال است رجوع نمود.

و صَلَّی اللّٰه عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ

[1] الاستبصار فيما اختلف من الأخبار، ج1، ص: 238 و وسائل الشيعة، ج8، ص: 508 و 509.

[2] الاستبصار فيما اختلف من الأخبار، ج1، ص: 239 و وسائل الشيعة، ج8، ص: 509.

[3] «15 مسألة إذا عزم على إقامة العشرة ثم عدل عن قصده فإن كان صلى مع العزم المذكور رباعية بتمام بقي على التمام ما دام في ذلك المكان وإن لم يصل أصلاً أو صلى مثل الصبح والمغرب أو شرع في الرباعية لكن لم يتمها وإن دخل في ركوع الركعة الثالثة رجع إلى القصر وكذا لو أتى بغير الفريضة الرباعية مما لا يجوز فعله للمسافر كالنوافل والصوم ونحوهما فإنه يرجع إلى القصر مع العدول نعم الأولى الاحتياط مع الصوم إذا كان العدول عن قصده بعد الزوال وكذا لو كان العدول في أثناء الرباعية بعد الدخول في ركوع الركعة الثالثة بل بعد القيام إليها وإن لم يركع بعد...» العروة الوثقى (للسيد اليزدي)، ج2، ص: 147 و 148.

[4] العروة الوثقى (المحشى)، ج3، ص: 485.